

Evaluating the Historicity of Medical Traditions based on the Model of Identifying the Historicity of Traditions

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Behrooz Fadaei Rad¹
Mohammad Nasehi^{2*}
Hossein Khoshdel Mofard³

How to cite this article

Behrooz Fadaei Rad, Mohammad Nasehi, Hossein Khoshdel Mofard. Evaluating the Historicity of Medical Traditions based on the Model of Identifying the Historicity of Traditions, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(2): 97-108.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

* Correspondence:

Email: Dr.mnasehi@gmail.com

Article History

Received: 2023/03/08
Accepted: 2023/07/24

ABSTRACT

The evaluation of the issue of historicity regarding traditions, which is done with the aim of finding the correct way of using traditions according to the impact of historical conditions on their issuance; In medical traditions, it is more concretely used due to its direct connection with people's health. When the dependence of a medical tradition on the historical conditions of its issuance is confirmed, its use will depend on the correct analysis of these conditions, and the correct analysis requires the use of a methodical model. Therefore, in this research, the issue of historicity of medical traditions was evaluated based on the model of identifying historical traditions with the process of separating aspects of historicity, identifying evidence in every aspect and determining the intensity of evidence's impact. The results show that despite the certainty of the influence of historical conditions on the issuance and interpretation of medical traditions, there is no predetermined certainty regarding the amount and intensity of this influence, but this amount can be qualitatively determined in each tradition and it categorized in a range from effective to ineffective. Based on this, the traditions in which the effective evidences of time, place and address can be identified are considered historical, and the traditions in which such evidences cannot be identified are considered non-historical. These evidences are divided into two types, direct and indirect. Direct evidence is seen in the words of the hadith, and indirect evidence is seen in the broad sense of the hadith.

Keywords: Historicity, Historicity of traditions, Historicity of medical traditions, Medical traditions

ارزیابی تاریخمندی روایات طبی بر اساس الگوی

شناسایی تاریخمندی روایات

بهروز فدائی راد

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

محمد ناصحی*

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران (نویسنده مسئول).

حسین خوشدل مفرد

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

چکیده

ارزیابی موضوع تاریخمندی در مورد روایات، که با هدف یافتن نحوه صحیح کاربرد روایات با توجه به تاثیر شرایط تاریخی بر صدورشان، صورت می پذیرد؛ در روایات طبی، به جهت ارتباط مستقیم با سلامتی افراد کاربرد ملموس تری می یابد. وقتی وابستگی یک روایت طبی به شرایط تاریخی صدورش تایید شود، کاربرد آن وابسته به تحلیل درست این شرایط خواهد بود و لازمه تحلیل درست، استفاده از الگویی روشمند است. بنابراین در این پژوهش موضوع تاریخمندی روایات طبی، بر اساس الگوی شناسایی روایات تاریخمند با فرایند تفکیک وجوه تاریخمندی، شناسایی قرائن در هر وجه و مشخص ساختن شدت تاثیر قرائن، مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان می دهد با وجود قطعی بودن تاثیر شرایط تاریخی بر صدور و تفسیر روایات طبی، در خصوص میزان و شدت این تاثیر، قطعیت از پیش مشخصی وجود ندارد اما این میزان را در هر روایت می توان به شکل کیفی تعیین کرد و آن را در طیفی از موثر تا بی تاثیر دسته بندی کرد. بر این اساس روایاتی که در آن ها قرائن موثر زمانی، مکانی و خطابی قابل شناسایی است، تاریخمند و روایاتی که در آن ها چنین قرائنی قابل شناسایی نیست غیر تاریخمند محسوب می شوند. این قرائن خود به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شوند. قرائن مستقیم در الفاظ حدیث مشاهده می شوند، و قرائن غیر مستقیم در مفهوم گسترده حدیث مشاهده می شوند.

کلیدواژه ها: تاریخمندی، تاریخمندی روایات، تاریخمندی روایات طبی، روایات طبی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

*نویسنده مسئول: Dr.mnasehi@gmail.com

مقدمه

تاریخمندی روایات، یا وابستگی روایات به شرایط تاریخی صدور، موضوعی است که اگرچه که در کلیت خود، در طول تاریخ استفاده تخصصی از حدیث، مورد بی توجهی متخصصان مربوطه نبوده، و در قالب مباحثی نظیر اسباب ورود حدیث، فضای صدور حدیث، مقام حدیث یا حتی قضایای حقیقی و خارجی، همواره مد نظر قرار گرفته است؛ اما به دلیل انتظارات کلامی از حدیث، هیچگاه به شکل ضابطه مند و منقح مورد بررسی منصفانه قرار نگرفته است.

به بیان دیگر، اصل اولی عام بودن روایات، پیشفرضی است که مانع از پذیرش تاثیر شرایط تاریخی صدور، بر قول، فعل و تقریر ائمه (ع)، به شکل پدیده و گسترده می گردد. در حالی که پیامبر (ص) و به تبع ایشان ائمه (ع) به شهادت قرآن انسان هایی نظیر دیگر انسان ها بوده اند؛ قل انما انا بشر مثلکم (کهف: ۱) (۱) و بگو من فقط انسانی مانند شما هستم، و از جنس خود مردم، الم یاتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم (زمر: ۷۱) (۱) (آیا پیامبرانی از جنس خودتان به سویتان نیامد که آیات الهی را برایتان بخوانند)؛ و زیست اجتماعی داشته اند، همانطور که در آیه و قالوا مال هذا الرسول یاکل الطعام و یشمی فی الاسواق لولا انزل الیه ملک فیکون معه نذیرا (فرقان: ۷) (۱) و گفتند این چه پیامبری است که مانند مردم عادی غذا می خورد و در کوچه و بازار رفت و آمد می کند چرا لا اقل فرشته ای به سویش فرستاده نشده تا با او هشداردهنده باشد؛ همین زیست اجتماعی معمول پیامبر (ص) مورد انتقاد مخالفان قرار گرفته است. در نتیجه فارغ از موضوع کیفیت علمشان، ناگزیر، نه سخنی منفک از شرایط تاریخی ایراد فرموده اند و نه عملی را اینچنین انجام داده اند. اگر زمانی به تقیه دستور داده اند، انه لا ایمان لمن لا تقیه له (۲) (کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد)؛ به اقتضاء شرایط تاریخی بوده است، اگر زمانی نقل به معنا را تایید فرموده اند، اذا اصبت معنی حدیثنا فاعرب بما شئت (۳) (اگر معنای حدیث ما را فهمیدی، آنچه را که می خواهی بیان کن)؛ ناظر به شرایط تاریخی بوده است و حتی اگر زمانی به پرسش پرسش کننده پاسخ داده اند پاسخی ناظر به شرایط مخاطب مطرح فرموده اند، انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم (۴) (به ما پیامبران دستور داده شده است که با مردم به اندازه درکشان صحبت کنیم).

در نتیجه درست در مقابل، باید اذعان داشت که اصل اولی، تاریخمندی روایات به معنای وابستگی به شرایط صدور است. اگرچه که این وابستگی، در همه روایات وجود ندارد، نظیر روایت النظیف من الثیاب یذهب الهم و الحزن (۲) (لباس تمیز اضطراب و غم را از بین می برد) که در آن هیچ وابستگی به شرایط تاریخی قابل شناسایی نیست. و در روایاتی که وجود دارد نیز همواره آنقدر نیست که مانع از استفاده از روایت شود، مانند روایت السنه فی النوره فی کل خمسه عشر یوما (۴) (استفاده هر پانزده روز از نوره سنت است) که با وجود ذکر زمان مشخص پانزده روز و تاثیر موقعیت جغرافیایی، شرایط زیستی و حتی تفاوت های جسمانی و شغلی افراد

روایات پزشکی؛^۱ یا پژوهش مسعودی در مقاله «روایات طبی، تبار و اعتبار»؛^۲ و پژوهش مهریزی و قزلباش در مقاله «مبانی اعتبار روایات پزشکی»^۳ همچنین در موضوع تاریخمندی روایات، می توان به پژوهش شفیعی در مقاله «تاریخمندی در مطالعات حدیثی»؛^۴ و پژوهش نجاتی و همای در مقاله «دیدگاه تاریخمندی احادیث نبوی با تاکید بر مبانی شواهد و پیامدها بررسی و نقد»^۵ که موضوع تاریخمندی را در احادیث مورد بررسی قرار داده اند، اشاره نمود. اما آنچه تا کنون مورد توجه واقع نشده است و مد نظر پژوهش پیش روست، بررسی ضابطه مند تاریخمندی روایات طبی به طور خاص است که حتی در پژوهش رحمان ستایش و محققان، در مقاله «تاثیر فضای صدور بر شکل گیری احادیث طبی»؛^۶ نیز قابل شناسایی دقیق نیست، چراکه در این مقاله با وجود پذیرش تفاوت های احادیث طبی و دیگر احادیث، اصل اولی در مورد احادیث طبی مانند سایر احادیث قضایای حقیقی دانستن آن ها معرفی شده است، و با ارائه گزاره هایی ناظر به فضای صدور احادیث سعی در نمایاندن چگونگی تشخیص حقیقی بودن یا خارجی بودن روایات طبی صورت گرفته است؛ صرف نظر از اینکه گزاره های ارائه شده جامع و مانع موضوع مورد نظر نیست، این فرایند طبق الگوی منسجم و قابل سنجشی ارائه نشده است، در حالی که در پژوهش پیش رو، گذشته از تفاوت رویکرد، موضوع وابستگی روایات طبی به شرایط تاریخی صدور مبتنی بر الگویی روشنمند مورد ارزیابی قرار گرفته است که می تواند وجه و دلیل وابستگی هر روایت به شرایط تاریخی صدور خود را مشخص سازد.

بنابراین پژوهش پیش رو از چند جهت متمایز از پژوهش های پیشین است. اول از جهت تعریف کاربردی مفهوم تاریخمندی، شناسایی وجوه تاریخمندی و بررسی شدت تاریخمندی در روایات طبی؛ که در پژوهش های پیشین اساسا مورد توجه قرار نگرفته است. دوم از جهت روش انجام که مبتنی بر کاربرد الگویی ضابطه مند و قابل اعتبارسنجی به لحاظ کلیت روش و نتایج موردی در خصوص روایات طبی است؛ موضوعی که در تحقیقات گذشته به شکل منسجم و ساختاریافته دنبال نگشته است. و سوم از جهت ارائه راهکار استفاده از روایات تاریخمند طبی؛ که به دلیل تعاریف غیر کاربردی پیشین از مفهوم تاریخمندی در گستره مطالعات دینی امکان بروز نیافته است.

۳-روش پژوهش

از آنجا که هدف اولیه پژوهش ارائه امکانی ضابطه مند برای ارزیابی تاریخمندی روایات طبی است، ابتدا الگویی که بر اساس تحقیقات محقق از طریق مقایسه متن غیرتاریخمند قرآن و سایر متون

در فواصل استفاده از آن؛ تاریخمند محسوب می شود؛ می توان از آن به عنوان یک توصیه بهداشتی ناظر بر ضرورت ازاله موهای زائد استفاده نمود، بی آنکه تاریخمندی روایت مانع استفاده از آن شود. البته باید افزود، تعمیم وابستگی به شرایط تاریخی به همه مصادیق موضوع و تام و مطلق دانستن آن؛ مغالطه ای است که در آثار روشنفکرانی که موضوع تاریخمندی را مطرح نموده اند با شدت و ضعف قابل شناسایی است. برای مثال نفی کاربرد امروزی حدیث به دلیل وابستگی کامل آن به شرایط تاریخی صدور (۵)؛ نتیجه ای است که تنها در صورت چنین تعریف و استنباطی از مفهوم تاریخمندی و بسط آن به همه احادیث، به دست می آید. نتیجه ای که از آنجا که مبتنی بر فرضی نادرست است قابل قبول نیست.

با این حال موضوع تاریخمندی، ضمن آنکه در مورد همه روایات قابل مشاهده است در برخی از موضوعات وضوح بیشتری دارد. روایات طبی، از آنجا که می تواند وابستگی قابل توجهی به سبک زندگی داشته باشد، عمدتا ناظر به شرایط زمانی، مکانی و حتی مخاطب مشخصی صادر شده است. بی توجهی به این شرایط صدور، می تواند مراجعه کننده به روایات را در مقام استفاده، با تعارضاتی مواجه می سازد. برای مثال در روایت من افتتاح طعامه بالملح و ختمه بالملح دفع الله عنه سبعین نوعا من انواع البلاء (۲) (هر کس غذای خود را با نمک شروع و ختم کند، خداوند او را از هفتاد نوع بلا حفظ می کند)؛ توصیه بر مصرف نمک است. در مقابل در مقالات علمی، توصیه بر کاهش ضروری مصرف نمک است. کاهش نمک در رژیم غذایی اثرات مثبتی بر سلامت انسان دارد به طوری که فشار خون را کاهش می دهد و وضعیت قلب و عروق خونی را بهبود می بخشد (۶)؛ البته که نمک مورد نظر روایات نمک تصفیه شده امروز نیست، اما همین تفاوت و تغییرات خواص مواد غذایی به تبع تغییرات صنعتی، که خود متأثر از تغییرات سبک زندگی است، دلیل تاریخمندی چنین روایاتی است.

موضوع وابستگی روایات طبی به شرایط صدور، اگرچه که در پاره ای از موارد بسیار روشن است نظیر مثالی که گذشت، اما در بسیاری موارد دارای چنین وضوحی نیست، در نتیجه، برای حصول فهم صحیح از روایات طبی، لازم است شرایط تاریخی صدور این روایات در همه وجوهشان مورد تحلیل قرار گیرد، و اگر قرار باشد این موضوع به شکل ضابطه مند مورد بررسی قرار بگیرد ضروری است حسب قواعد مشخص و الگویی روشنمند صورت پذیرد.

۲-پیشینه پژوهش

در خصوص روایات طبی به شکل عام پژوهش هایی قابل اشاره است؛ از جمله پژوهش کردلوئی و شریف پور در مقاله «اعتبارسنجی

۱- فصلنامه قرآن و طب، ۷ (۴)، ۱۴۰۱ ش.

۲- فصلنامه علوم حدیث، ۲۳ (۱)، ۱۳۹۷ ش.

۳- پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، ۲ (۲)، ۱۳۹۴ ش.

۴- فصلنامه علوم حدیث، ۱۲ (۳ و ۴)، ۱۳۸۶ ش.

۵- پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۳۰، ۱۴۰۱ ش.

۶- فصلنامه علوم حدیث تطبیقی، ۳ (۵)، ۱۳۹۵ ش.

(شیر بخورید چراکه باعث رشد گوشت و پرورش استخوان می شود)؛ اکل الجوز فی الشده الحر بهیج الحر فی الجوف و بهیج القروح علی الجسد و اكله فی الشتاء یسخن الکلیتین و یدفع البرد (۲) (خوردن گردو در هوای گرم معده را گرم می کند و زخم های بدن را التیام می بخشد و خوردن آن در زمستان کلیه ها را گرم می کند و سرما را دفع می کند).

اگرچه که شاید بتوان انواع جزئی تری از روایات طبی را نیز شناسایی کرد اما همه انواع دیگر به نوعی در این سه گروه کلی قابل دسته بندی هستند.

۳-۲- دیدگاه اندیشمندان اسلامی پیرامون روایات طبی

ابن خلدون از آنجا که وظیفه پیامبر (ص) را تعلیم شریعت و نه تعلیم علوم معمول از جمله طب می داند (۱۱)؛ روایات طبی را برخاسته از وحی محسوب نداشته و در نتیجه معتبر نمی داند؛ اگرچه که وجود احادیثی نظیر العلم ثلاثه الفقه للادیان و الطب للابدان و النحو للسان (۱۲) (علم بر سه قسم است فقه برای ادیان، طب برای بدن ها و صرف و نحو برای زبان)؛ می تواند مستمسک چنین نظری باشد؛ اما در نقد آن باید گفت چنین تفکیکی در سیره عملی ائمه (ع) قابل مشاهده نیست بلکه ایشان سوالات مراجعان خود را در هر حیطة ای که بوده است پاسخ می دادند، و حدیث مورد نظر بر فرض صحت صدور نمی تواند نافی دانش ائمه (ع) در علوم دیگر باشد بلکه صرفاً یک دسته بندی از علوم را ارائه می دهد. در نتیجه هر حکمی در مورد نوع حدیث وجود دارد قابل تسری به گونه های مختلف حدیثی از جمله احادیث طبی است.

صدوق در مورد روایات طبی می گوید: عقیده ما درباره اخبار و احادیثی که درباره طب رسیده، آن است که این احادیث، بر چند گونه اند برخی از آن ها با نظر به آب و هوای مکه و مدینه گفته شده اند و به کار بستنشان در دیگر شرایط آب و هوایی، درست نیست؛ در برخی از آن ها، معصوم (ع) بر پایه آنچه از حال و طبع سوال کننده می دانسته، پاسخ داده و از همان موضع، فرائز نرفته است؛ چه این که امام، بیش از آن شخص به طبع وی آگاهی داشته است؛ برخی از آن ها را مخالفان، با هدف زشت نمایاندن چهره مذهب در نگاه مردم در میان احادیث گنجانده اند؛ در برخی از آن ها، سهوی از راوی حدیث، سر زده است؛ در برخی از آن ها بخشی از حدیث حفظ شده و بخشی دیگر آن، فراموش شده است (۱۳).

تحلیل صدوق عمدتاً اینگونه ارزیابی شده است: تنها بخشی از احادیث طبی را می توان در اختیار افراد خاصی که آن احادیث مربوط به آن هاست، قرار داد و سایر احادیث طبی را باید کنار گذاشت (۱۴). در حالی که حتی اگر چنین نتیجه ای مد نظر خود صدوق هم بوده باشد، نادرست است چراکه وابستگی روایات به شرایط صدور خود، مانع از کاربرد آن ها نمی شود بلکه تنها کاربرد آن ها را متوقف بر فهم شرایط صدور می سازد. اینکه صدوق در تحلیل خود به وجوه مکان و مخاطب اشاره می کند و صدور برخی از احادیث طبی را مختص شرایط مکان مشخص

از جمله روایات، سامان یافته است معرفی می گردد. این الگو، با فرایند تفکیک وجوه تاریخمندی، شناسایی قرائن در هر وجه و مشخص ساختن شدت تاثیر قرائن در آن وجه، شرایط را برای فهم صحیح روایات طبی، از طریق روشن ساختن دلایل، جهات و میزان وابستگی آن ها به قیود تاریخی، فراهم می سازد.

در مرحله بعد، موضوع تاریخمندی روایات طبی بر اساس الگو، مورد ارزیابی قرار می گیرد. و برای محسوس بودن شیوه کاربرد الگو، این ارزیابی با ذکر نمونه های حدیثی مختلف انجام خواهد شد. در نتیجه نتایج مستخرجه مبتنی بر الگوست، اگرچه که ذکر نمونه های حدیثی - حتی به صورت محدود- علاوه بر کاربرد الگو، نشان دهنده روایی الگو نیز هست.

۴- مفاهیم نظری

۴-۱- روایات طبی

روایت یا حدیث، کلامی است که حکایت از قول، فعل یا تقریر ائمه (ع) دارد (۷)؛ و بر این اساس، احادیث طبی یا روایات طبی، دسته ای از روایات هستند، که مرتبط با موضوعات پزشکی اعم از بهداشتی و درمانی هستند. این روایات به لحاظ موضوعی از دیگر روایات متمایز بوده و درون خود انواعی دارند. از جمله این انواع، روایاتی هستند که بر رعایت بهداشت تاکید کرده و آداب بهداشتی را مطرح ساخته و به راهکارهایی برای پیشگیری از بیماری اشاره دارند. نظیر روایات النظیف من الثیاب یدهب الهم و الحزن (۲) (لباس تمیز اضطراب و غم را از بین می برد)؛ تخللوا فانه ینقی الفم و مصلحه للته (۸) (خلال کردن دهان را پاکیزه می کند و برای لثه مفید است)؛ تقلیم الاظفار یمنع الداء الاعظم و یدر الرزق (۳) (کوتاه کردن ناخن ها از بزرگ ترین بیماری ها جلوگیری می کند و باعث رزق و روزی می شود)؛ المعده بیت کل داء و الحمیه راس کل دواء (۴) (معده خانه هر بیماری است و پرهیز اصل هر درمان است).

نوع دیگری از روایات طبی کارکرد درمانی داشته و درمان عمومی یا درمان بیماری مشخصی را ذکر می کند. مانند روایات اذا ضعف المسلم فالیاكل اللحم باللبن (۲) (هر گاه مسلمان ضعیف شد باید گوشت را با شیر بخورد)؛ ما استشفی مریض بمثل العسل (۹) (هیچ درمانی مانند عسل برای بیمار وجود ندارد)؛ کان بابی عبدالله (ع) و جع البطن فامر ان یطبخ له الارز و یجعل علیه السماق فاکله فیرا (۲) (امام صادق (ع) دچار معده درد شد، دستور داد برایش برنج بپزند و سماق بمانند، پس آن را کامل خورد).

و نوع دیگر این روایات به خواص خوراکی ها به شکلی عام اشاره دارد. نظیر روایات السمک الطری یدیب الجسد (۱۰) (ماهی تازه موجب لاغری می شود)؛ کثره اکل البیض تزید فی الولد (۳) (زیاد تخم مرغ خوردن موجب زیاد شدن فرزندان پسر می شود)؛ من افتتح طعامه بالمح و ختمه بالملح دفع الله عنه سبعین نوعاً من انواع البلاء (۲) (هر کس غذای خود را با نمک شروع و ختم کند، خداوند او را از هفتاد نوع بلا حفظ می کند)؛ الخل یشد العقل (۴) (سرکه ذهن را تقویت می کند)؛ علیک باللبن فانه ینبت اللحم و یشد العظم (۱۰)

و کسانی که جعلی بودن همه را ادعا نکردند، آن‌ها را در جغرافیای صدور صحیح دانسته‌اند. در حالی که از جهت حدیث بودن، احادیث طبی نیز مانند دیگر گونه‌های حدیثی هستند و هر حکمی در مورد نوع احادیث وجود دارد قابل تسری به احادیث طبی نیز هست اما از جهت نوع و شدت دخالت شرایط تاریخی در صدورشان متفاوت از احادیث دیگر هستند.

۳-۴- تاریخمندی

برای توضیح دقیق مفهوم تاریخمندی، می‌توان دو نوع تاریخمندی را از یکدیگر متمایز ساخت. اول تاریخمندی متن و دوم تاریخمندی فهم.

تاریخمندی متن، عبارت است از اثرپذیری متن از زمینه تاریخی و شرایط و واقعیات فرهنگی تاریخی عصر پیدایش متن (۱۸). به این معنا که هیچ متنی نمی‌تواند بی‌تأثیر از شرایط صدور خود باشد حتی اگر این متن، از متون دینی باشد، یعنی آنچه در نصوص دینی آمده، در موقعیت ویژه تاریخی و جغرافیایی آمده و مخاطب این نصوص در شرایط معین و با معلومات مناسب آن عصر بوده و این گونه نبوده است که هیچ تعلق زمانی و مکانی نداشته باشد (۱۹).

منظور از تاریخمندی فهم این است که فهم نیز خود متأثر از زمینه‌های پیرامونی است و ابداع نمی‌تواند با ذهنی خالی صورت بگیرد. در واقع باید گفت، ما یک متن را فقط بر اساس آگاهی صرف که تنها از موقعیت حاضر پر شده است، نمی‌فهمیم بلکه دقیقاً آن را به این دلیل می‌فهمیم که در فهم ما نحوه‌ای دیدن از قبل تثبیت شده و برخی پیش برداشت‌های مفهومی وجود داشته و اکنون با توجه به این موقعیت، نیتی ابتدایی نسبت به آن موضوع برای ما به وجود آمده است. در نتیجه فهم به نحو اجتناب‌ناپذیری تاریخی است (۲۰).

بنابراین در موضوع تاریخمندی در هر دو نوع خود، مسئله، تأثیر شرایط تاریخی است؛ تأثیری که البته می‌تواند بسیار زیاد یا بسیار کم باشد و در هر حال در تحلیل و فهم باید مد نظر قرار بگیرد. حال وقتی از تاریخمندی روایات سخن گفته می‌شود، مقصود این است که اولاً در مقام صدور هیچ روایتی در خلاء صادر نشده است و همه روایات در بستر تاریخ و شرایط تاریخی صادر شده‌اند. و ثانیاً در مقام فهم و استنباط از روایات؛ هیچ شخصی با ذهن عاری از دیدگاه‌های پیشینی به سراغ احادیث نمی‌رود. با این حال این وابستگی به شرایط تاریخی لزوماً به معنای وابستگی تام نیست، و دارای شدت و ضعف است و حتی در بسیاری از موارد ناچیز و قابل اغماض است.

باید افزود در موضوع تاریخمندی، دیدگاه‌های مخالفی نیز وجود دارد که صرف نظر از انواع و دسته‌بندی آن‌ها، بررسی تعاریف ارائه شده این دیدگاه‌ها، نظیر تعریفی که عرب صالحی ارائه کرده است: تاریخمندی و تاریخی بودن از عناوین و صفاتی است که به هر چه الصاق شود، کنایه از موقتی بودن و عرضی بودن آن شیء است (۲۱)؛ نشان می‌دهد مخالفت با این مفهوم بیش از آنکه رویکرد علمی و تحقیقی داشته باشد، از یک سوی با غرض تخطئه

یا مخاطب مشخص می‌داند، بسیار قابل توجه و متفاوت از دیدگاه‌های دیگر است، که به شکل قابل توجهی با مفهوم تاریخمندی مرتبط است.

مفید دانش پزشکی را یکی از دانش‌های وحیانی و اختصاصی پیامبران (ع) می‌داند که آموختن آن راهی جز سماع ندارد (۱۵)؛ در حالی که باید گفت، دانش پزشکی در طول تاریخ همواره با آزمون و تجربه پیشرفت کرده است و در این میان برخی از نتایج که از همین راه و نه از راه سماع حاصل شده کاملاً منطبق بر آیات و روایات است، برای مثال یافته‌های علوم پزشکی نشان‌دهنده اثرات سوء گوشت خوک بر سلامت انسان است (۱۶)؛ و در آیاتی نظیر انما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر (همانا خداوند مردار و خون و گوشت خوک را بر شما حرام کرده است) (بقره: ۱۷۳) (۱)؛ حرمت خوردن گوشت خوک صراحتاً بیان شده است. در نتیجه نمی‌توان یافته‌های علمی را به صرف شیوه‌های استنباط غیر نقلی نادرست قلمداد کرد و راه توسعه این دانش را منحصرآ نقل دانست.

عاملی بر این نظر است که ائمه (ع) در امور مختلف پزشکی به طور گسترده و جامع صحبت کرده‌اند و هر چه لازم بوده بیان نموده‌اند (۱۷)؛ این ادعا بیش از آنکه مبتنی بر شواهد باشد مبتنی بر انتظاری است که وی از ائمه (ع) داشته است، واضح است که بسیاری از موضوعات پزشکی وجود دارد که ائمه (ع) در آن موضوعات سخنی نفرموده‌اند چراکه در زمان ایشان اصلاً مطرح نبوده است نظیر بیماری‌های قرون جدید یا مواد غذایی اصلاح شده و یا حتی آلودگی‌های صنعتی موثر بر سلامت انسان.

علت اختلاف آراء اندیشمندان اسلامی در خصوص روایات طبی بیش از هر مطلب دیگر، بر تلقی آنان از دین و مفروضات پیشین آنان نسبت به کلیت دین و جایگاه حدیث استوار است. متکلمانی نظیر مفید واضح است که از منظر کلامی و احتجاجی به موضوع می‌نگرند، در مقابل، دیدگاه حدیث‌گرایانی نظیر صدوق جهت دیگری دارد، در این میان نگرش ابن‌خلدون نیز از زاویه دید اوست، و این همان تاریخمندی فهم است. به بیان دیگر کسانی با این پیش‌فرض که حیطه دین و علم جدای از هم است، احادیث پزشکی را معتبر نمی‌دانند، کسانی با این پیش‌فرض که همه علوم نزد ائمه (ع) است، با وجود احادیث طبی، انسان را بی‌نیاز از دانش پزشکی می‌دانند و کسانی نیز از آنجا که دلیلی برای تمایز قائل شدن میان احادیث از جهت حدیث بودن وجود ندارد، همان مسیر را که برای موضوعات دیگر حدیثی طی می‌شود را در نظر می‌گیرند.

باید توجه داشت که علت جدا ساختن احادیث طبی توسط برخی از اندیشمندان از گونه‌های دیگر حدیثی، وجود مشکلاتی بوده است که در این احادیث مشاهده می‌شده است از جمله تعارض در میان آن‌ها. اگرچه که موضوع تعارض اخبار در سایر موضوعات نیز مشاهده می‌شود؛ اما از آنجا که احادیث طبی را می‌توان به شکل تجربی آزمود، کسانی به مجعول بودن نوع این احادیث معتقد شدند

در نتیجه با تاکید، باید به این نکته اذعان داشت که حتی تلقی های مختلفی که از مفهوم تاریخمندی وجود دارد خود متأثر از تاریخمندی فهم است. نگرش پیشینی نسبت به موضوع تاریخمندی مانع از قضاوت صحیح در مورد آن می گردد، اگرچه که انسان ها در فهم خویش خالی از نگرش و مفروضات پیشینی نیستند و فهم آنان و قضاوت هایشان می تواند متأثر از شرایط تاریخی باشد اما میزان این تاثیر در طیفی از قابل توجه تا قابل اغماض در نوسان است و نمی توان به صرف امکان وقوع چنین تاثیری، هر فهم و قضاوتی را در بند شرایط تاریخی دانست.

۴-۳-۱- وجوه تاریخمندی

وابستگی به شرایط تاریخی در سه نوع زمان، مکان و مخاطب یا تلفیقی از این سه، قابل وقوع است. به بیان دیگر وجه وابستگی یک متن یا یک فهم به شرایط تاریخی یا به دلیل زمان تاریخی است فارغ از مکان و مخاطب، یا به دلیل مکان و موقعیت جغرافیایی است فارغ از زمان و مخاطب و یا به دلیل مخاطب مشخص است فارغ از زمان و مکان خاص، و یا تلفیقی از این سه وجه است.

منظور از وابستگی به شرایط تاریخی از منظر زمانی، اختصاصات موثر مقاطع زمانی مختلف است، که برای تشخیص آن می توان ابزار و امکانات در دسترس و مورد استفاده آن زمان، سبک زندگی و فرهنگ مرسوم آن زمان و حتی سطح دانش و نوع نگرش در آن زمان خاص را مورد توجه قرار داد. برای مثال روایاتی که دال بر خوردن غذا با سه انگشت است، نظیر روایت انه کان یجلس جلسه العبد و یضع یده علی الارض و یا کل بثلاث اصابع و ان رسول الله (ص) کان یاکل هكذا لیس كما یفعل الجبارون احدهم یاکل باصبعیه (۲) (مثل غلام می نشست و دستش را روی زمین می گذاشت و با سه انگشت غذا می خورد، رسول خدا (ص) این گونه غذا می خورد نه مانند جباران که با دو انگشت غذا می خوردند)؛ بیش از آنکه در مقام تبیین چگونگی غذا خوردن باشد در مقام تقبیح تکبر ورزیدن حتی در زمان غذا خوردن است، این محتوا در زمان صدور حدیث متناسب با مصادیق زمانی ارائه شده است، واضح است که امروز جباران با دست غذا نمی خوردند که مصداق چنین تقبیحی قرار بگیرند، در نتیجه امروز البته در حالت کلی، نه با سه انگشت غذا خوردن متواضعانه است و نه با دو انگشت غذا خوردن متکبرانه.

در مقام صدور، این معنا قطعاً مد نظر ائمه (ع) بوده و احادیث ایشان بیش از آنکه کارکرد عام داشته باشد، قاعدتاً باید در زمان صدور قابل استفاده و نافذ باشد در نتیجه نمی تواند مستقل و بی تاثیر از قید زمان صادر گردد.

در مقام فهم، قطعاً محدودیت های زمانه به لحاظ ابزار و امکانات حتی دانشمندان را نیز به فهم و نتایجی ناصواب می کشاند. برای مثال حاکم بودن دیدگاه بطلمیوسی بر نجوم در زمانه ای مفسران قرآن را به تطبیق قرآن با آراء بطلمیوس کشانید. به عنوان نمونه وقتی مجلسی در تفسیر آیاتی که به آسمان های هفتگانه اشاره دارد می گوید حکما ثابت کرده اند افلاک نه تا هستند (۴)؛ صرف نظر از درستی

روشنفکرانی است که موضوع تاریخمندی را مطرح کرده اند و از سوی دیگر ناشی از نگرانی تبعات احتمالی پذیرش این مفهوم است. این در حالی است که، استفاده برخی محققین از مفهوم تاریخمندی، به آن معنا نیست که این مفهوم به درستی فهم و استفاده شده است. چراکه، تاریخمندی یا وابستگی به شرایط تاریخی صرفاً به معنای تاثیر شرایط تاریخی بر صدور متن یا فهم است، و این تاثیر نه تنها لزوماً تام و منحصرکننده نیست، بلکه ابداً به معنای منقضي دانستن مقوله تاریخمندی نیز نیست، ضمن آنکه شامل همه مصادیق خود نیز نمی شود.

برای مثال این ادعا که آدمی هرگز نمی تواند از موقعیت تاریخی خویش رهایی یابد و دانشی که مبتنی بر این موقعیت است همواره بخشی و محلی و تجدیدنظر پذیر است (۲۲)، مخصوصاً به جهت قیود هرگز و همواره، جای نقد دارد، و تنها در صورتی قابل قبول است که اینگونه اصلاح شود: آدمی معمولاً متأثر از شرایط تاریخی خویش است و این شرایط می تواند بر نظر و عمل او تاثیرگذار باشد. زیرا می توان مثال های نقضی در این خصوص ارائه کرد به عنوان نمونه روایت الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا (مردم در خواب هستند وقتی بمیرند آگاه می شوند) (۴) اولاً هم در مقام صدور متأثر از شرایط تاریخی نیست و هم از آنجا که بخشی و محلی نیست نیازمند تجدید نظر نیز نیست.

به بیان دیگر مشخصاً در موضوع روایات، تاریخمندی روایات صرفاً حکایت از تاثیر شرایط تاریخی بر صدور و فهم روایات دارد، حال اینکه وزن این تاثیر به چه میزان است مطلبی نیست که بتوان به شکل کلی در مورد همه روایات از پیش اظهار نظر کرد، و بسیار واضح است که در این صورت نمی توان نتیجه موقتی بودن و عرضی بودن روایات را گرفت.

برای روشن تر شدن موضوع می توان مثالی ذکر کرد. تاریخمندی روایت یفرق بین العلمان و النساء فی المضاجع اذا بلغوا عشر سنین (۲) (وقتی کودکان پسر و دختر به ده سالگی می رسند باید محل خوابشان از یکدیگر جدا شود)؛ به معنای غیر قابل استفاده بودن آن نیست. بلکه تشخیص علت تاریخمندی روایت مشخص خواهد ساخت که اگر قید عشر سنین، که روایت را تاریخمند ساخته کنار گذاشته شود؛ به این دلیل که سن بلوغ در زمان ها و مکان های مختلف یکسان نیست؛ می توان به گزاره عامی که در هر زمان و مکان قابل استفاده باشد رسید. به بیان دیگر نکته اصلی مورد نظر صادرکننده حدیث، ضرورت تفکیک مکان خواب کودکان دختر و پسر، پیش از آگاهی کامل از مسائل جنسی است، که در زمان و مکان صدور حدیث برای فهم سریعتر مخاطب، مفهوم کلی و عام متناسب با شرایط تاریخی تبیین شده است یعنی ذکر سن ده سالگی. در نتیجه نمی توان سن ده سال را که در روایت ذکر شده مبنا قرار داد، اما می توان اصل جداسازی مکان خواب را گزاره ای عام محسوب داشت.

تأثیر اندیشه ها و روش های منطقه ای در استنباطات حدیثی را می توان در برخی روایات مشاهده کرد برای مثال وقتی در منطقه ای قیاس به عنوان روشی برای استخراج حکم شرعی پذیرفته شده باشد، این پیشفرض در پذیرش و کاربست حدیث موثر خواهد بود. همانطور که در روایت قلت لابی عبدالله (ع) ما تقول فی رجل قطع اصبعاً من اصابع المراه کم فیها ... (۹) (به امام صادق (ع) عرض کردم در مورد مقدار دبه مردی که یکی از انگشتان زنی را قطع کرده است چه نظری دارید ...) ابان بن تغلب خود مقدمتا از پذیرش روایتی که بر خلاف روش قیاسی است استنکاف می کند.

منظور از وابستگی به شرایط تاریخی از منظر خطابی، مخاطب و شرایط ادراکی و عملکردی اوست. سطح فهم مخاطب لاجرم رویه های تبیینی و تبلیغی متفاوتی را ایجاد می کند. ضمن آنکه توانایی عملکردی افراد طبعا احکام متناسب خود را خواهد داشت که از آیه لایکلف الله نفساً الا وسعها (خداوند هر کس را به اندازه توانش تکلیف می کند) (بقره: ۲۸۶) (۱)؛ به وضوح قابل فهم است. برای مثال در روایت قلت لابی عبدالله (ع) بلغنا ان عمره فی شهر رمضان تعدل حجه فقال انما کان ذلک فی امراه وعدها رسول الله (ص) فقال لها اعتمری فی شهر رمضان فهی لک حجه (۲) (به امام صادق (ع) عرض کردم به ما خبر داده اند که عمره در ماه رمضان با حج برابری می کند، فرمود این فقط در مورد زنی بود که رسول خدا (ص) به او وعده داده بود، و به او گفت در ماه رمضان عمره به جا آور که برای تو حج است)؛ یعنی حدیث ناظر به مخاطب خاص و شرایط خاص او به لحاظ عملکردی صادر شده است و قابل تعمیم نیست.

در مقام صدور، ائمه (ع) نه تنها شرایط عملکردی مخاطبین را در نظر داشته اند بلکه شرایط ادراکی آنان را نیز لحاظ می کرده اند چنان چه در روایت انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم (۲) (به ما پیامبران دستور داده شده است که با مردم به اندازه درکشان صحبت کنیم)؛ این معنا مشاهده می گردد.

در مقام فهم، طبیعتاً نگرش های پیشینی افراد و سطح درک و فهم آنان به برداشت های متفاوتی از روایات منتج می شود. به عنوان نمونه روایت حدیث روی لنا انک قلت اذا عرفت فاعمل ما شئت فقال قد قلت ذلک قال قلت و ان زنوا او سرقوا او شربوا الخمر فقال لی انا لله و انا الیه راجعون والله ما انصفونا ان نکون اخذنا بالعمل و وضع عنهم انما قلت اذا عرفت فاعمل ما شئت من قلیل الخیر و کثیره فانه یقبل منک (۲) (برای ما حدیثی نقل شده که شما فرمودید وقتی حق را شناختی هر کاری می خواهی بکن، فرمود بله من گفتم، عرض کردم حتی اگر زنا کنند، دزدی کنند یا مشروب بخورند. به من فرمود: ما از خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم، به خدا که در مورد ما انصاف روا نداشتید چگونه است که ما خود عمل می کنیم و از آن ها عمل را برمی داریم، من گفتم وقتی حق را شناختی اگر از خیر کم یا زیاد انجام دهی از تو پذیرفته می شود)؛ حاکی از امکان برداشت خاصی است که کاملاً با نظر صادر کننده روایت متفاوت است.

یا نادرستی این تطبیق، اصل وقوع چنین رخدادی نشان از تأثیر دیدگاه های زمانه بر فهم مواجهان دارد.

طبیعی است که وقتی چنین اتفاقی در تفسیر آیات قرآن به عنوان متنی که دور از تحریف است مشاهده می شود، در مورد روایات با وسعت و نفوذ بیشتری رخ داده است، در نتیجه نمی توان سهم غلبه اندیشه های فکری مقاطع مختلف زمانی را بر ناقلان روایات و تصنیف کنندگان کتب حدیثی ناچیز قلمداد کرد، اگرچه که این تأثیر در افراد مختلف شدت و ضعف یکسانی نداشته و در برخی موارد کاملاً ناچیز است.

منظور از وابستگی به شرایط تاریخی از منظر مکانی، وضعیت جغرافیایی خاص و فرهنگ و آداب و رسوم خاص یک منطقه است؛ طبیعتاً شرایط خاص منتج به راهکارهای خاص برای برطرف کردن احتیاجات حتی احتیاجات معمول می گردد، همچنان که همین شرایط به تدریج فرهنگ و آداب و رسوم متناسبی را نیز ایجاد می سازد، که در منطقه ای دیگر نه تنها کارکرد ندارد بلکه ممکن است متعارض با آن نیز باشد. برای مثال در روایت ان الملائکه لتنفرن عند الهران و تلعن صاحبه ما خلا الحافر و الخف و الیرش و النصل (۹) (فرشتگان هنگام شرط بندی روی برمی گردانند و شرط بند آن را لعن می کنند مگر در سوارکاری و شترسواری و تیراندازی)؛ مجاز دانسته شدن مسابقه و شرط بندی در سوارکاری، شترسواری و تیراندازی، نمی تواند بی توجه به ابزارها، روش ها و آداب منطقه ای تبیین شده باشد، به بیان دیگر این حدیث برای مخاطب کویری صادر شده است و اگر مخاطب در مناطق سردسیر نزدیک به قطب زندگی می کرد هیچ یک از این سه، مورد استفاده معمول او نبود که مسابقه در آن مجاز باشد یا خیر، همچنین در مناطق جنگلی متراکم نیز این ابزارها کارایی ندارد؛ در نتیجه واضح است که این حدیث ناظر به شرایط منطقه ای مخاطب صادر شده است، و کاملاً غیر منطقی است که در همه مناطق، مسابقات ورزشی و شرط بندی در آن منحصر در موارد سه گانه اسب سواری، شترسواری و تیراندازی با کمان، مجاز باشد.

در مقام صدور، طبیعی است که ائمه (ع) گذشته از درک زمان و اقتضائات آن، متوجه منطقه و مکانی که در آن حضور دارند نیز هستند، و این توجه لاجرم در قول، فعل و تقریر ایشان بازتاب می یابد.

در مقام فهم، وقتی در زمانه ای فهم و روش فهمی غلبه دارد طبعا هر فهمی به نوعی وامدار آن روش غالب است. به عنوان نمونه، تفاوت های نگرشی و روشی مکاتب حدیثی مختلف، نقش موثری در پذیرش و حتی فهم روایات داشته است. چنان که اختلاف صدوق و مفید در زمینه عقاید کلامی موجب شد تا با وجود رابطه استاد و شاگردی، مفید با نوشتن شرح عقاید صدوق، در واقع ردیه ای علیه معتقدات محدثان قم بنویسد (۲۳). این عملکرد طبعا ناشی از نگرش منطقه ای است، همانطور که در مقابل مشایخ قم، احمد بن محمد بن خالد برقی را مورد طعن قرار دادند (۲۴).

به این معنا هستند در روایت مورد جستجو قرار بگیرند. می توان مسیر عملی شناسایی وجه مکانی تاریخمندی یک روایت را در قالب مراحل زیر ترسیم نمود:

۱- وجود یا عدم وجود قرائن مستقیم یا غیر مستقیم در متن روایت، این قرائن عموماً از نوع ابزار و وسایل رفع احتیاجات هستند و با از نوع مولفه های فرهنگی شایع در یک منطقه جغرافیایی.

۲- اگر قرائنی وجود دارد میزان تاریخمندی مکانی روایت به شدت و نفوذ آن قرائن بستگی دارد، وابستگی تام و روشن به قرینه احصاء شده حکایت از تاریخمندی تام روایت دارد و هرچه میزان این وابستگی کمتر باشد میزان تاریخمندی در وجه مکانی نیز کمتر خواهد بود، و اگر قرائنی وجود ندارد وابستگی وجود نخواهد داشت.

۳- اعلام نظر در مورد تاریخمندی مکانی و میزان آن و یا عدم تاریخمندی مکانی.

روایاتی که در وجه زمانی تاریخمند هستند، وابسته به ابزارها، روش ها، دیدگاه ها و آداب و رخدادهایی هستند که در زمانی خاص وجود داشته یا مورد استفاده قرار گرفته است. در نتیجه بررسی طولی یک روایت در مقاطع مختلف زمانی از نظر ابزارها، روش ها، دیدگاه ها و آداب می تواند وابستگی به قید زمان را مشخص سازد، به بیان دیگر وقتی روایتی از منظر زمانی تاریخمند نیست که در شرایط صدوری ابزارها، روش ها، دیدگاه ها و آداب زمان یا دوره خاصی مد نظر صادر کننده روایت نبوده باشد و قول و فعل و تقریر تحت تاثیر اختصاصات آن زمان یا دوره خاص نبوده باشد. برای فهم این معنا باید قرائنی که ناظر به این معنا هستند در روایت مورد جستجو قرار بگیرند. می توان مسیر عملی شناسایی وجه زمانی تاریخمندی یک روایت را در قالب مراحل زیر ترسیم نمود:

۱- وجود یا عدم وجود قرائن مستقیم یا غیر مستقیم در متن روایت، این قرائن عموماً از نوع ابزار و وسایل رفع احتیاجات هستند و با از نوع مولفه های فرهنگی شایع در یک مقطع زمانی.

۲- اگر قرائنی وجود دارد میزان تاریخمندی زمانی روایت به شدت و نفوذ آن قرائن بستگی دارد، وابستگی تام و روشن به قرینه احصاء شده حکایت از تاریخمندی تام روایت دارد و هرچه میزان این وابستگی کمتر باشد میزان تاریخمندی در وجه زمانی نیز کمتر خواهد بود، و اگر قرائنی وجود ندارد وابستگی وجود نخواهد داشت.

۳- اعلام نظر در مورد تاریخمندی زمانی و میزان آن و یا عدم تاریخمندی زمانی.

روایاتی که در وجه خطایی تاریخمند هستند، وابسته به شرایط ادراکی یا عملکردی مخاطب اولیه خود هستند، به گونه ای که در مورد مخاطبی با شرایط ادراکی یا عملکردی متفاوت، قابلیت تعمیم ندارند. در نتیجه بررسی وابستگی یک روایت به شرایط ادراکی و عملکردی مخاطب می تواند وابستگی به قید مخاطب را مشخص سازد، این وابستگی را می توان از قرائنی نظیر پرسش راوی، تعارض

باید افزود که قطعاً سطح درک و فهم پایین مخاطب، گذشته از آنکه مانع از تبیین همه مفاهیم لازم می گردد، منجر به تبیین های متناسب با همان سطح می شود. ضمن آنکه نه فقط در مقام سخن بلکه در مقام عمل نیز ائمه (ع) را با چالش هایی مواجه می سازد. این معنا در شماتت های امام علی (ع) نسبت به مردم کوفه قابل شناسایی است. یا اشباه الرجال و لا رجال علوم الاطفال و عقول ربات الحجال لوددت انی لم اركم و لم اعرفکم معرفه (۲۵) (ای مردنمایان نامرد ای کودک صفتان بی خرد که عقل های شما به عروسان پرده نشین شباهت دارد چقدر دوست داشتیم که شما را هرگز نمی دیدم و هرگز نمی شناختم)؛ طبعاً اگر مخاطبین امام (ع) در سطح بالایی از فهم و عمل بودند ادبیات بیانی ایشان متفاوت می بود.

در نتیجه باید گفت، اگرچه که روایاتی فارغ از زمان، مکان و مخاطب صادر شده است اما نمی توان به طور پیش فرض همه روایات را از این قسم دانست بلکه لازم است روایات از نظر تاریخمندی مورد بررسی قرار بگیرند.

۵- الگوی شناسایی تاریخمندی روایات

دقت در تعریف تاریخمندی مشخص خواهد ساخت که هر متنی با شدت یا ضعف تاریخمند است. البته در این میان، قرآن به عنوان کلام خداوند، ویژگی هایی دارد که آن را از سایر متون متمایز می سازد. از جمله این ویژگی ها، اعجاز است. موضوعی که در مورد روایات صادر شده از ائمه (ع) قابل ادعا نیست؛ یعنی به هیچ وجه نمی توان روایات را حتی اگر دقیقاً با عین الفاظ نقل شده باشند معجزه محسوب داشت. حال با در اختیار داشتن یک متن غیرتاریخمند می توان در مورد تاریخمندی سایر متون از جمله روایات قضاوت کرد و برای اینکه این قضاوت، کاربردی و قابل اعتبارسنجی باشد نتایج را به صورت الگویی روشمند گزارش کرد. یافته های محقق که از مقایسه متن غیرتاریخمند قرآن و روایات حاصل شده است، نشانگر آن است که، برای اینکه اصل تاریخمندی در مورد یک روایت خاص مورد بررسی قرار بگیرد، باید آن روایت را در همه وجوه یعنی در هر سه وجه زمان، مکان و مخاطب به تفکیک سنجید، نتیجه این سنجش گذشته از آنکه می تواند کلیت تاریخمندی یا عدم تاریخمندی آن روایت را مشخص سازد وجه یا وجوه تاریخمندی و شدت آن را نیز مشخص خواهد ساخت.

روایاتی که در وجه مکانی تاریخمند هستند، وابسته به ابزارها، روش ها، دیدگاه ها و آداب و رخدادهایی هستند که در مکانی خاص وجود داشته یا مورد استفاده قرار گرفته است. در نتیجه بررسی عرضی یک روایت در یک مقطع زمانی مشخص، از نظر ابزارها، روش ها، دیدگاه ها و آداب می تواند وابستگی به قید مکان را در آن روایت مشخص سازد، به بیان دیگر وقتی روایتی از منظر مکانی تاریخمند نیست که در شرایط صدوری، ابزارها، روش ها، دیدگاه ها و آداب مکان یا موقعیت خاصی مد نظر صادر کننده روایت نبوده باشد و قول و فعل و تقریر تحت تاثیر اختصاصات آن مکان یا موقعیت نبوده باشد. برای فهم این معنا باید قرائنی که ناظر

های مختلف، محتوای حدیث بی هیچ تغییری نافذ و صحیح است. ضمن آنکه عدم وابستگی روایت به شرایط خاص مخاطب امکان کاربرد روایت نسبت به هر مخاطبی را نیز فراهم می‌سازد. همچنین روایت النظيف من الثياب يذهب الهم و الحزن (۲) (لباس تمیز اضطراب و غم را از بین می‌برد)؛ فاقد هرگونه قرینه زمانی، مکانی و حتی خطابی است. به بیان دیگر تاثیر لباس پاکیزه بر روحیه افراد اگرچه که می‌تواند شدت و ضعف داشته باشد اما روایت از نفس وجود تاثیر مثبت سخن می‌کند و اصل این موضوع در مقاطع مختلف زمانی و مکان‌های جغرافیای مختلف و حتی نسبت به مخاطبین با شرایط جسمی و روحی مختلف، وجود دارد. در نتیجه نمی‌توان این روایت را تاریخمند محسوب کرد.

بررسی دیگر نمونه‌های فاقد قرینه روایات طبی، نیز نشان دهنده عدم وابستگی این روایات به قیود تاریخی است، چراکه بی‌تردید، وابسته بودن به قیود تاریخی از هر نوعی در قرائن مستقیم یا غیر مستقیم بازتاب خواهد یافت.

در مقابل در روایت اشربوا ماء السماء فانه يطهر البدن و يدفع الاسقام (۲) (آب آسمان را بنوشید که بدن را پاکیزه می‌کند و بیماری‌ها را دفع می‌کند)؛ قرائنی قابل شناسایی است. آشامیدن یک نوشیدنی مشخص، ذکر خواص مشخص برای آن، قرائنی است که در کنار موضوع وجود آلودگی‌های جوی، مانع از عام قلمداد شدن روایت می‌گردد. تشخیص قرائن در روایت امکان کاربست عملی الگو را فراهم می‌سازد. در نتیجه می‌توان از الگو در وجوه سه‌گانه به تفکیک استفاده کرد.

کاربرد الگو در وجه زمانی

از آنجا که در زمان صدور حدیث موضوع صنایع آلاینده و آلودگی‌های جوی و تاثیر آن بر سلامت نزولات آسمانی مطرح نبوده است این روایت از وجه زمانی تاریخمند محسوب می‌شود. اما مراحل آزمون الگو به شرح زیر است:

۱- شناسایی قرائن زمانی در روایت

عبارت يدفع الاسقام که در مورد عبارت ماء السماء به کار برده شده است، وقتی در هر شرایطی صادق نیست، می‌تواند قرینه‌ای اولیه باشد برای ورود به موضوع تاریخمندی. از آنجا که عدم صدق عبارت به دلیل صنایع آلاینده‌ای است که منجر به آلودگی‌های جوی شده بر سلامت خاک و محصولات کشاورزی تاثیر منفی می‌گذارند چراکه افزایش میزان آلاینده‌هایی که با تشکیل اسیدهای سولفوریک و نیتریک همراه هستند، سبب کاهش اسیدیته باران می‌شود که اثر مضر بر محصولات کشاورزی دارد (۲۶)؛ و از آنجا که این موضوع به تبع پیشرفت‌های تکنولوژیک بشر رخ داده است و منحصر به یک منطقه جغرافیایی نیست، این قرینه به شدت تقویت می‌شود.

۲- بررسی میزان وابستگی روایت به قرائن زمانی شناسایی شده

روایات، و قیودی که نشان از انحصاری بودن مخاطب دارد فهم کرد. به بیان دیگر وقتی روایتی از منظر خطابی تاریخمند نیست که در شرایط صدور سطح ادراکی و توانایی عملکردی مخاطب خاصی مد نظر صادر کننده روایت نبوده باشد و قول و فعل و تقریر تحت تاثیر اختصاصات ادراکی و عملکردی مخاطب خاصی نبوده باشد. برای فهم این معنا باید قرائنی که ناظر به این معنا هستند در روایت مورد جستجو قرار بگیرند. می‌توان مسیر عملی شناسایی وجه خطابی تاریخمندی یک روایت را در قالب مراحل زیر ترسیم نمود:

۱- وجود یا عدم وجود قرائن مستقیم یا غیر مستقیم در متن روایت، این قرائن عموماً وابسته به شرایط عملکردی و ادراکی مخاطب هستند که معمولاً از پرسش‌های او و یا وجود تعارض اخبار قابل شناسایی هستند.

۲- اگر قرائنی وجود دارد میزان تاریخمندی خطابی روایت به شدت و نفوذ آن قرائن بستگی دارد، وابستگی تام و روشن به قرینه احصاء شده حکایت از تاریخمندی تام روایت دارد و هرچه میزان این وابستگی کمتر باشد میزان تاریخمندی در وجه خطابی نیز کمتر خواهد بود، و اگر قرائنی وجود ندارد وابستگی وجود نخواهد داشت.

۳- اعلام نظر در مورد تاریخمندی خطابی و میزان آن و یا عدم تاریخمندی خطابی.

باید به این نکته توجه داشت که الگوی شناسایی تاریخمندی روایات متشکل از سه مرحله اصلی است یعنی برای بررسی اصل تاریخمندی و وجوه تاریخمندی و حتی شدت تاریخمندی، در یک روایت مشخص، لازم است این فرآیند سه‌گانه به تفکیک در مورد آن روایت طی شود پاسخ حاصل شده از هر گام تبیین‌کننده تاریخمندی یا عدم تاریخمندی روایت، وجوه تاریخمندی آن و حتی شدت وابستگی آن روایت به شرایط تاریخی خواهد بود.

۶- ارزیابی تاریخمندی روایات طبی

الگوی شناسایی تاریخمندی روایات، امکان سنجش روایات طبی را از جهت تاریخمندی فراهم خواهد کرد. اما پیش از استخراج نتایج برای محسوس شدن نحوه استفاده از الگو، و نشان دادن روایی الگو، نمونه‌هایی از روایات طبی در طیفی از عدم تاریخمند تا تاریخمند، تحلیل می‌گردد.

این الگو، مبتنی بر قرائنی است که از روایات امکان استنباط دارد و طبیعی است که فقدان قرینه در یک روایت مویده عدم تاریخمندی آن روایت است. برای مثال در روایت المعدة بیت کل داء و الحمیه راس الدواء (۴) (معدة خانه هر بیماری است و پرهیز اصل هر درمان است)؛ هیچ قرینه زمانی، مکانی و حتی خطابی قابل شناسایی نیست. به بیان دیگر، از آنجا که در روایت ابزار یا آداب یا مولفه‌های وابسته به زمان یا مکان به طور مستقیم یا غیر مستقیم، قابل مشاهده نیست، فرقی نمی‌کند در چه مقطع زمانی حضور داشته باشیم در هر زمانی با هر نوع سبک زندگی و شیوه‌ی تامین ملزومات غذایی، و حتی در مکان‌های مختلف با شرایط جغرافیایی و آداب و سبک

وجود شعاع عددی محدود، شدت تاریخمندی خطابی قابل اغماض نیست.

۳- با توجه به قرائن روایت از جهت خطابی تاریخمند محسوب می شود.

حتی در روایت اذا ضعف المسلم فلیاکل اللحم باللبن (۲) (هر گاه مسلمان ضعیف شد باید گوشت را با شیر بخورد)؛ قرائنی قابل شناسایی است. اینکه علت ضعف بدنی چه باشد طبیعتا بر درمان موثر است، و نمی توان گوشت و شیر را علاجی برای هر نوع وضعی دانست و حتی ممکن است وجود برخی از بیماری های زمینه ای مانع از امکان مصرف گوشت یا شیر گردد، چراکه پژوهش ها نشان می دهد مصرف گوشت قرمز و شیر و ماست پرچرب احتمال ابتلا به سرطان پستان را افزایش می دهد (۲۷). و علاوه بر آن نمی توان خواص مواد خوراکی امروز را به دلیل تغییرات قابل توجه نحوه تامین اقلام خوراکی معادل خواص مواد خوراکی گذشته دانست. در نتیجه می توان از الگو در وجوه سه گانه به تفکیک استفاده کرد.

کاربرد الگو در وجه زمانی

خواص مواد خوراکی در زمان های مختلف به دلیل نحوه تامین اقلام خوراکی تفاوت دارد، نمی توان ارزش غذایی مواد خوراکی امروز را به دلیل صنعتی شدن، معادل مواد خوراکی گذشته دانست و از آنجا که این صنعتی شدن در زمان صدور حدیث مطرح نبوده است روایت از جهت زمانی تاریخمند محسوب می شود اما مراحل آزمون الگو به شرح زیر است:

۱- شناسایی قرائن زمانی در روایت

با وجود واژه المسلم به شکل عام در روایت، ذکر خاصیت مشخص برای خوراکی مشخص، قرینه ای قابل توجه است به این شکل که وقتی در روایت برای گوشت و شیر خاصیت زدودن ضعف بدنی ذکر می شود، نمی توان این خاصیت را در مقاطع مختلف زمانی برای هر گوشت و هر شیر متناظری در نظر گرفت، چراکه خاصیت شیر و گوشت دام مشخصا وابسته به تغذیه دام و سلامت آن است، و طبیعی است که صنعتی شدن و تغییرات تغذیه معمول دام بر این خاصیت و سلامت تاثیر مستقیمی دارد.

۲- بررسی میزان وابستگی روایت به قرائن شناسایی شده

از آنجا که خاصیت مواد غذایی، وابسته به نحوه تهیه مواد غذایی است، واضح است که این خاصیت می تواند دارای طیف مثبت تا منفی باشد.

۳- با توجه به قرائن روایت از جهت زمانی تاریخمند محسوب می شود.

کاربرد الگو در وجه مکانی

علاوه بر آنکه تغییرات نحوه تهیه اقلام خوراکی در مقاطع مختلف زمانی بر خواص آن تاثیرگذار است، در مناطق مختلف جغرافیایی، نیز این موضوع قابل مشاهده است ضمن آنکه وضعیت آب و هوایی نیز امری مضاعف در این وجه محسوب می شود. اما مراحل آزمون الگو به شرح زیر است:

شدت آلودگی های جوی نه تنها می تواند صحت حدیث را تحت الشعاع قرار دهد بلکه ممکن است مفهومی معارض با آن را به اثبات رساند، در نتیجه روایت شدیدا به قیود زمانی وابسته است.

۳- با توجه به قرائن، روایت از جهت زمانی تاریخمند محسوب می شود.

کاربرد الگو در وجه مکانی

علاوه بر آنکه، در زمان های مختلف توسعه صنایع آلاینده و تاثیرات آن بر جو قابل نادیده انگاشتن نیست، در یک مقطع زمانی و در مکان های مختلف نیز به دلیل تفاوت کمی و کیفی استفاده از چنین صنایعی، شدت آلودگی های متفاوتی در مکان های مختلف ایجاد می گردد در نتیجه روایت از نظر مکانی نیز تاریخمند محسوب می شود. اما مراحل آزمون الگو به شرح زیر است:

۱- شناسایی قرائن مکانی در روایت

قرابت قرائن زمانی و مکانی سبب می شود همان عبارت یدفع الاسقام که در مورد عبارت ماء السماء به کار برده شده است، قرینه ای اولیه محسوب کرد، و با توجه به وجود بیشتر صنایع آلاینده در برخی از مناطق جهان، برای وجه مکانی نیز تشخیص جداگانه ای قائل شد.

۲- بررسی میزان وابستگی روایت به قرائن مکانی شناسایی شده

شدت آلودگی های جوی طبعا در مناطق مختلف متفاوت است و به تبع آن سلامت نزولات آسمانی در مناطق مختلف هم متفاوت است در نتیجه این روایت به قیود مکانی نیز شدیدا وابسته است.

۳- با توجه به قرائن روایت از جهت مکانی تاریخمند محسوب می شود.

کاربرد الگو در وجه خطابی

اگرچه که از الفاظ حدیث عمومیت خطاب فهم می شود چراکه فعل به صورت امر در صیغه جمع به کار رفته است و تعلیلی هم در قالب جمله اسمیه در ادامه حدیث ذکر شده است، اما از آنجا که عبارت یدفع الاسقام نمی تواند در مورد همه افراد مصداق داشته باشد، می توان روایت را از منظر خطابی وابسته به شرایط سلامت افراد در نظر گرفت؛ اما مراحل آزمون الگو به شرح زیر است:

۱- شناسایی قرائن خطابی در روایت

تاثیر روشن تفاوت های فردی در استفاده از حدیث و نحوه کاربرد آن، مهم ترین قرینه خطابی است. تاثیر نوشیدن نزولات آسمانی در صورت وجود آلودگی های جوی بر افراد مختلف نمی تواند غیروابسته به میزان سلامتی آنان باشد، در نتیجه شرایط بدنی افراد مختلف، موثر در کاربرد حدیث است.

۲- بررسی میزان وابستگی روایت به قرائن خطابی شناسایی شده

با وجود محدود بودن تعداد افرادی که در دایره شمول تفاوت تاثیر کاربرد حدیث هستند، شدت تفاوت در مواردی می تواند در حدی باشد که نوشیدن نزولات آسمانی بر افرادی نه تنها تاثیر مثبت نداشته باشد بلکه درست برعکس تاثیر منفی نیز ایجاد کند. در نتیجه با

دلیل اینکه ائمه (ع) از آنجا که زیست اجتماعی داشته اند قول و فعل و تقریر ناظر به شرایط داشته اند و از جهت فهم به دلیل اینکه راویان و ناقلان و استناد کنندگان به حدیث با ذهن خالی و بدون فهم پیشین به احادیث مراجعه نمی کنند در نتیجه عملاً فهم پیشین آنان موثر بر برداششان از حدیث خواهد بود.

۲- با وجود قطعی بودن نفس تاثیر شرایط تاریخی بر صدور و فهم روایات طبی، در خصوص میزان و شدت این تاثیر قطعی وجود ندارد و این شدت در طیفی از موثر تا بی تاثیر قابل دسته بندی است.

۳- کاربرد الگوی شناسایی تاریخمندی روایات، بر روایات طبی، نشان می دهد که روایاتی که در آن ها قرائن موثر زمانی، مکانی و خطابی قابل شناسایی است، با درجات متعددی که بر اساس الگو قابل تعیین است، تاریخمند محسوب می شوند و روایاتی که در آن ها چنین قرائنی قابل شناسایی نیست تاریخمند محسوب نمی شوند.

۴- قرائن قابل تشخیص در روایات طبی در دو نوع مستقیم و غیر مستقیم قابل دسته بندی است. قرائن مستقیم قرائنی هستند که در الفاظ حدیث مشاهده می شوند، و قرائن غیر مستقیم قرائنی هستند که به دلیل تغییرات سبک زندگی در وجوه زمان، مکان، مخاطب در مفهوم گسترده حدیث مشاهده می شوند.

۵- کاربرد صحیح یک روایت طبی، مستلزم ارزیابی آن روایت از منظر تاریخمندی است. و حتی اگر آن روایت به طور کامل تاریخمند باشد فهم وجوه تاریخمندی می تواند امکان کاربردهای فراوانی از آن روایت را فراهم آورد.

منابع

1. Holy quran.
2. Koleyni M. Alkafi. Beirut: Manshoorat Al-fajr. 1428 (Arabic).
3. Hor Ameli M. Vasael Al-shieh. Beirut: Daar Ehya Al-toras Al-arabi. 1412 (Arabic).
4. Majlesi M. Bihar Al-Anwar. Beirut: Moasseseh Al-Vafa. 1403 (Arabic).
5. Arkoun M. Tarikhiyah Alfekr Aleslami Alarabi. Translate by Hashem Saleh. Beirut: Markaz Alenmae Alqomi. 1996 (Arabic).
6. Pourali F, Abdollahi Z, Roufegarinejad L, Tabrizi JS, Kousha A. A Comprehensive Overview on Necessity and Strategies of Salt Intake Reduction in the Population. *Depiction of Health* 2017; 8(1): 57-66.
7. Bahaei M. Al-Vajizah fi elm Alderayah. Qom: Nashr Basirati. 1390 (Arabic).

۱- شناسایی قرائن مکانی در روایت

ذکر خاصیت مشخص برای ماده خوراکی مشخص علاوه بر اینکه یک قرینه زمانی محسوب می شود قرینه ای مکانی نیز به حساب می آید، چراکه این خاصیت در مناطق مختلف نیز به همان علت نحوه تهیه اقلام خوراکی، متفاوت است.

۲- بررسی میزان وابستگی روایت به قرائن شناسایی شده

از آنجا که خاصیت مواد غذایی، وابسته به نحوه تهیه مواد غذایی است، واضح است که این خاصیت می تواند دارای طیف مثبت تا منفی باشد.

۳- با توجه به قرائن روایت از جهت مکانی تاریخمند محسوب می شود.

کاربرد الگو در وجه خطابی

با وجود غالب شرطی متن روایت و واژه المسلم، که مفهوم عامی را می رساند، دلایل متعدد ضعف بدنی مانع از عام محسوب کردن محتوای روایت می شود اما مراحل آزمون الگو به شرح زیر است:

۱- شناسایی قرائن خطابی در روایت

تجویز فلیاکل اللحم باللبن، در مورد ضعف، طبیعتاً در مورد مخاطبین مختلف که دلایل متفاوتی منجر به ضعف در آن ها شده است نمی تواند تجویز موثری باشد، ضمن آنکه وجود بیماری های زمینه ای، حساسیت های گوارشی نیز امکان عام محسوب داشتن این تجویز را تحت الشعاع قرار می دهد.

۲- بررسی میزان وابستگی روایت به قرائن شناسایی شده

از آنجا که تاثیر شرایط افراد، بر کاربرد روایت در طیف وسیعی قرار دارد، وابستگی به شرایط قابل توجه است.

۳- با توجه به قرائن روایت از جهت خطابی تاریخمند محسوب می شود.

روایات طبی با تنوع موضوعی درونی، از آنجا که در نهایت کارکرد بهداشتی یا درمانی دارند، نباید بی توجه به شرایط افراد، مورد استفاده قرار بگیرند. برای مثال حتی روایاتی که بر استفاده از نوره تاکید دارند نظیر السنه فی النوره فی کل خمسه عشر یوما (۴) (استفاده هر پانزده روز از نوره سنت است)؛ که ناظر بر توصیه رعایت بهداشت فردی است؛ گذشته از آنکه باید با توجه به ابزارهای در دسترس زمان و مکان و سبک زندگی و میزان رعایت بهداشت و امکانات موجود و قابل استفاده در زمان صدور فهم شود، نمی تواند برای افرادی با حساسیت های پوستی بالا کاربرد داشته باشند، در نتیجه توجه به قرائن امکان تحلیل و ارزیابی تاریخمندی این روایات و استفاده صحیح از آن ها را فراهم می آورد و بی توجهی به قرائن، گذشته از آنکه در مقام استفاده می تواند مشکلاتی را ایجاد نماید مانع از نگرش صحیح به روایات طبی می گردد.

نتیجه گیری

۱- روایات طبی نظیر دیگر روایات، هم از جهت صدور و هم از جهت فهم با عارضه تاریخمندی مواجه شده اند، از جهت صدور به

22. Warnke G. *Gadamer Hermeneutics, Tradition, and Reason*. Stanford University Press. 1987.
23. Maaref M. *General history of Hadith with an analytical approach*. Tehran: Kavir. 1396.
24. Helli H. *Kholasah Al-aghval*. Qom: Nashr Al-feghahah. 1417 (Arabic).
25. Seyyed Al-razi M. *Nahj Al-balagheh*. Qom: Hejrat. 1414 (Arabic).
26. Ezzati R, Rabbani G. The effect of acid rain on growth and physiological responses of wheat. *Nova Biologica Reperta* 1393; 1: 70-81.
27. Reyhani M, Fahami F, Mosharaf SH, Tarkesh N. The Relationship between the Amount of Dairy Products and Animal Proteins Consumption and Breast Cancer in Isfahani Women. *Journal of Advances in Medical and Biomedical Research*. 1391; 20(81): 45-54.
8. Feiz Kashani M. *Al-Vafi*. Esfihan: Ketabkhaneh Emam Ali. 1406 (Arabic).
9. Ibn Babouyeh M. *Man La Yahzoroho Al-faqih*. Qom: Nashr Eslami. 1413 (Arabic).
10. Barqi A. *Al-Mahasen*. Qom: Daar Al-kotob Al-eslamiah. 1371 (Arabic).
11. Ibn Al-kalfoon A. *Tarikh Ibn Al-kalfoon*. Beirut: Daar Al-fekr. 1408 (Arabic).
12. Harrani E Sh. *Tohaf Al-oghoool*. Qom: Nashr Eslami. 1404 (Arabic).
13. Ibn Babouyeh M. *Al-eteghadat*. Qom: Kongereh Sheikh Mofid. 1414 (Arabic).
14. Mohammadi Rey Shahri M. Translated Saberi H. *Daneshnameh Ahadith Pezeshki*. Qom: Daar Al-hadith. 1385.
15. Mofid M. *Tashih Eteghadat Al-emamiyeh*. Qom: Kongereh Sheikh Mofid. 1414 (Arabic).
16. Spotin A, Rouhani S, Parvizi P, Shahbazi A, Najafian J, Zaman. J, et al. A Survey of the effects of pork consumption on human physical and mental health based on Islamic Narratives and Medical Parasitology. *Religion & Health* 2014; 2(1): 61- 68.
17. Ameli S. *Al-adab Al-tebbiyah*. Qom: Nashr Eslami. 1380 (Arabic).
18. Raeisiyan q, Zand Aqtaei F. Pathology of proving the historicity of the Qur'an in the works of Nasr Hamid Abu Zaid. *Hosna Quran researching two Quarterly* 1396; 9(33): 8-33.
19. Ayazi SM. Historicity in religious texts. *Ulum Hadith* 1382; 29: 44-71.
20. Masoudi J. *Hermeneutics and new religious thinking*. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. 1392.
21. Arabsalehi M. *Historicism and Religion*. Tehran: Pazhooheshgah Farhang & Andishe Eslami. 1387.